

حق آفرینش اندیشه

ملاحظات در باب حقوق آفرینشهای فکری

محمدحسن عرب اسدی
کارشناس کتابخانه ملی

مؤلف گاه قصد می‌کند از اثر خود در برابر دیگران به بهره‌برداری مالی و مادی بپردازد و گاه انگیزه او صرفاً معنوی و اخلاقی است. بدیهی است هرگونه بهره‌برداری، هنگامی معنی پیدا می‌کند که اثر مؤلف به جامعه عرضه شده باشد.

در اینجا به این نکته باید توجه داشت که اثر وقتی موجب حقوقی برای مؤلف خود می‌شود که اصیل، ابتکاری، ابداعی و نو باشد. شرط دیگر آن است که اثر پدید آمده باید ارزشمند باشد.

امروزه حق و ملک مصادیق مشابه و فراوانی دارند. در بحث حاضر حق مؤلف به مثابه ملک مؤلف است که می‌تواند وارد انواع

حق مؤلف در معنای اصطلاحی حق و امتیازی است که جامعه برای فردی که اثری را پدید آورده و قصد دارد از مزایای مادی و معنوی آن بهره‌برداری کند قائل شده و آن را به رسمیت می‌شناسد. در اینجا صاحب حق همان مؤلف اثر است که از اختیاراتی نسبت به پدیدآورده خود برخوردار گردیده است.

در معنای حقوقی حق مؤلف وسعت و دقت بیشتری نهفته است. به طوری که منشأ آن از حقوق معنوی انسانها بوده دارای اقسام و انواع خاصی است. این حق دارای ماهیتی دوگانه است. سکه‌ای است که یک روی آن جنبه معنوی و روی دیگر جنبه مالی (یا مادی) دارد.

معاملات و تجارتها شده و مورد مبادله و معاوضه و... واقع گردد.

در اینجا فقط این استثناء وجود دارد، که مؤلف (یا پدیدآورنده) حق انتساب اثر به خود را، که مانند حق ابوت (پدری) اوست، هرگز نمی‌تواند به دیگری منتقل کند، یا بالعکس از دیگری قبول نماید.

در جامعه اسلامی ما حق مؤلف دارای مفهومی کاملاً حقوقی، فقهی و اجتماعی است و بدون توجه به عناصر فوق هرگز قابل درک یا اثبات نیست. مفهوم حقوقی آن متأثر از قانون حاکم بر کشور است که آن را مورد شناسایی و حمایت قرار داده است و آن را فی‌نفسه موجود می‌شمارد. ولی مفهوم فقهی آن فقط در سایه شرط و قرار وجود پیدا می‌کند و منهای آن مورد تأیید و امضاء نیست. از لحاظ اجتماعی مفهومی دوپهلوی پیدا کرده است. دولت بنا به رعایت مصالح ملی به معاهدات بین‌المللی حق طبع نمی‌پیوندد و ناشران و مترجمان متجاوز به آثار بیگانه از این بابت خوشنودند! ولی هرگاه در داخل یا خارج کشور حقوق آنها مورد تجاوز قرار گیرد ناراضی و معترضند و به دولت پناه می‌برند!

حق مؤلف دارای کاربردهای وسیعی در صنایع چاپ و نشر و برنامه‌نویسی کامپیوتر و نیز سینما و تئاتر و موسیقی و معماری و مجسمه‌سازی و هم‌چنین عکاسی و صنایع دستی و فنی و فرهنگی است. به طوری که تنها راه دسترسی مجاز به این محصولات، رعایت جوانب مختلف حقوق پدیدآورندگان

آنهاست.

امروز به همراه غالب آثار علمی، فرهنگی، هنری و ادبی شرط رعایت حقوق پدیدآورنده ضمیمه است. مگر در برخی آثار مذهبی که به منظور رفع موانع تبلیغی از آن صرف‌نظر می‌کنند.

از فواید وجود و رعایت حقوق پدیدآورندگان مانند دیگر حقوق جوامع، تضمین سلامت اجتماعی و روابط موجود در آن است، که موجبات بقاء و رشد و تعالی آن را فراهم کرده می‌تواند در تنظیم ارتباطات صحیح و مفید مؤثر باشد و افراد جامعه را به حقوق خود آشنا کند و آنان را از تجاوز به حقوق یکدیگر برحذر دارد. بدیهی است جامعه‌ای سعادتمند خواهد بود که تمامی افراد آن به حقوق خود آشنا بوده و آن را محترم بدارند.

حق مؤلف دامنه‌ای بسیار گسترده دارد. مؤلف گاه در نقش پدیدآورنده یک مقاله یا کتاب ظاهر می‌شود و گاه در نقش یک برنامه‌نویس کامپیوتری و در مواردی به عنوان نقاش، آهنگساز، شاعر، بازیگر سینما و تئاتر، مجسمه‌ساز، حکاک، طراح، ناشر، کارگردان، مترجم، بنگاه سخن‌پراکنی و پخش فیلم، مرکز ماهواره‌ای، ویراستار، دوبلر و از این قبیل.

بنابراین، مؤلف هم می‌تواند فرد باشد و هم سازمان. یعنی شخصیت حقیقی یا حقوقی داشته باشد، یا حتی یک ملت باشد؛ که البته از طریق دولت یا سازمانی حقوقی تجلی خواهد یافت.

هرگاه که مورد اهانت و یا انتقاد و سرقت و نابودی قرار گیرد. ۶) حق اهداء و بخشش اثر به دیگری و یا وقف آن. ۷) حق اعراض و نابودی اثر. ۸) حق آموزش و اطلاع رسانی بر جامعه از لحاظ اخلاقی. ۹) حق منع تقلید دیگران. ۱۰) حق کتمان نام خود. ۱۱) حق انتخاب نام یا علامت اثر خود.

و اما حق مالی مؤلف اقسام و نمودهای گوناگونی دارد که ابتدایی ترین آنها ۱) حق الزحمه او برای تألیف است، که بدان حق التألیف، حق التحریر، حق قلم، حق نویسندگی، حق آفرینش و خلاقیت هم می گویند. ۲) دیگری حق امتیاز یا حق طبع او برای واگذاری اثر به دیگری برای نشر و عرضه و اجراست. ۳) حق تعقیب اثر که در مورد آثار هنری مصداق دارد، و این برای جلوگیری از احساس غبن و ضرر و زیان او در اثر فروخته شده پیشینی شده است. ۴) حق امانت دهی عمومی است که از سوی کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی به مؤلف در ازای امانت دادن و نقل و انتقال اثر او حاصل می شود.

مؤلف ممکن است حقوق فوق را به موجب شرط و قرار و یا قانون با دیگری مشترک باشد. یعنی حقوق حاصل از اثر به صورت مشاع بین او و مؤلفی دیگر واقع شود، و یا اینکه تألیف اثر را به سفارش فرد و یا سازمانی دیگر انجام دهد و در ازای دریافت حقوق مورد نظر، بخشی از حقوق دوگانه فوق الذکر را از دست بدهد، یعنی در حقیقت

مؤلف می تواند در قید حیات باشد و شخصاً اعمال حق کند یا از طریق اعطای وکالت به دیگری قدرت اعمال نفوذ را برای خود محفوظ نگه دارد، و یا حتی بعد از فوت خود وصیت کند.

مؤلف حقوقی واحد ولی دو وجهی دارد. قسمی را معنوی و قسم دیگر را مالی (مادی) نام نهاده اند. حقوق معنوی او ثابت و لا یتغیرند و فقط برای حفاظت و رشد و یا دولت منتقل می شوند، بدون اینکه خدشه ای از این بابت به حقوق او وارد شود.

هر کدام از این دو جنبه حقوقی اقسامی دارند. حق معنوی مؤلف عبارت است از: ۱) حق احترام، یعنی چون اثر فقط با نام او شناخته می شود، لذا هرگونه تغییر و تحریف و نقص و کسری به او برمی گردد. پس اثر او باید مصون و محترم بماند. ۲) حق انتساب و ولایت، یعنی اینکه اثری که او پدید آورده است منسوب به اوست و به هیچ وجه نمی توان این امتیاز را از او سلب کرد. ۳) حق انحصار در نشر اثر و حق حبس آن، یعنی اینکه این مؤلف است که می تواند و اختیار دارد تصمیم به نشر و عرضه اثر خود بگیرد و یا از آن به طور موقت یا دائم جلوگیری کند. ۴) حق رجوع و عدول، یعنی مؤلف می تواند به اثری که برای نشر و عرضه ارائه کرده است رجوع کند و در آن حکم و اصلاحاتی بوجود آورده و تغییر و تبدیلی را اعمال نماید. و یا از تصمیم قبلی خود منصرف شده و مایل به نشر و عرضه عمومی آن نباشد. ۵) حق دفاع از اندیشه و سبک و مرام خود

به دست نیاورد. در این حالت تجاوز به اثر و تخطی از مقررات و دستیابی به آثار ابعاد وسیعتری پیدا می‌کند.

تا اینجا جنبه‌های مختلف حقوقی حق مؤلف به اختصار بیان شد. حال با عنایت به اینکه حق مؤلف خود جزئی از حق مالکیت معنوی انسانهاست که اجزاء دیگر آن حق اختراع و حق اکتشاف و حق علامت و نشان

اثر وقتی موجب حقوقی برای مؤلف خود می‌شود که اصیل، ابتکاری، ابداعی و نو باشد.

تجاری و حق سرقفلی است، بحث خود را بر اثر تألیف شده و خصوصیات و اشکال آن متمرکز می‌کنیم.

اثر ممکن است تصنیفی، تألیفی، ترجمه‌ای، شرح، خلاصه، نقد و تفسیر، نمایه، فهرست و یا اقسامی دیگر باشد، که در اینجا بحث اثر اصلی و اشتقاقی (یا تبعی) پیش می‌آید. اثر اصلی یعنی عین اثری که مؤلف پدید آورده است و اشتقاقی یعنی از اثر او اثری انشعابی بوجود آید. مثلاً ترجمه یا اقتباس و یا گزیده و چکیده گرفتن و امثال آن. یک اثر ممکن است به شکل کتاب، مجله، روزنامه، گزارش یا فیلم و نوار و صفحه و دیسک و دیسکت، یا امواج صوتی و تصویری (حتی شاید سایه یک شیء) باشد مانند آثار شفاهی به شکل وعظ و خطابه و سخنرانی.

بنابراین، اثر ممکن است مرئی یا نامرئی (بالفعل یا بالقوه) باشد. ولی قطعاً هنگامی از آن حمایت می‌شود که از حالت محتوایی درآمده و شکل و هیئت فیزیکی و محسوس به خود بگیرد. در حقیقت اثر مجسم قابل حفاظت و حمایت است، نه فرضاً آنچه در ذهن مؤلف وجود دارد. بنابراین اثر می‌بایست به عیثت پیوندد تا قابل بهره‌برداری و حمایت باشد.

اثر باید مالیت داشته باشد، یعنی به نحوی باشد که در ازای آن چیزی قابل پرداخت باشد. به بیان دیگر اینکه مورد رغبت مردم قرار گیرد نه مایه انزجار و تفر آنان، که البته این امر بنا به عقاید آدمی متفاوت است. مثلاً در شرع مقدس اسلام، صور قبیحه، مجسمه عریان، نوشته ضلالت آور و کفرآمیز، صدای نامحرم خصوصاً در حال غنا، آلات قمار و موسیقی لهو و لعب هیچ کدام مالیت ندارند. بنابراین ساخت آنها غیرمجاز اعلام شده و دستور به نابودی هیئت (و نه جسمیت) آنها داده شده است. فرضاً مجسمه‌ای از جنس طلا که مصداق امری قبیح باشد محکوم به تغییر شکل می‌گردد، تا برای استفاده‌ای مجاز مصرف شود. ولی حکم اسلام در مورد غیرپیروان خود حسب مورد متفاوت است. یعنی اگر تبعه حکومت اسلامی باشند می‌توانند در بین خود مجاز به رعایت عقیده مذهبی خود بوده ولی در ارتباط با مسلمانان قواعد مربوط را مراعات نمایند و اگر تبعه حکومتی دیگر باشند مطابق قوانین و مقررات خود عمل خواهند نمود.

آورد که بر اثر آن متن نوشته‌ای، طرحی، فرمولی، شکلی یا هر چیز بامعنی و قابل استفاده دیگری پدید آید در این حالت حق مؤلف آن به چه کسی می‌رسد؟ به پرنده یا صاحب آن، یا...؟! در این مثال فرضی عنصر تفکر و خلاقیت و اراده وجود ندارد.

بدیهی است که اثر مؤلف به هنگام ورود به جامعه حامل حقوقی برای صاحب آن است که باید مورد احترام قرار گیرد. بدین منظور همهٔ جوامع و دولتها اقدام به وضع قانون جداگانه و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های خاص و نیز معاهدات بین‌المللی و سازمانهای داخلی و جهانی نموده‌اند و تاکنون گردهم آییها، اظهار نظرهای بیشمار، و اقدامات قضایی گوناگونی صورت گرفته تا از مؤلف و اثر و حقوق حاصل از آن دفاع و حمایت نمایند و خوشبختانه تا حد زیادی هم موفق بوده‌اند. البته در جهان سوّم و غرب نتایج با هم کاملاً متفاوت بوده است که به دلایل آن بعداً خواهیم پرداخت.

در کشور ما ایران هم موضوع قانونگذاری و ضوابط اجرای آن سابقه‌ای حدود هفتادسال دارد که این با توجه به قدمت و برتری فرهنگی آن ابری قابل رسیدگی و تفحص است.

برای آگاهی بیشتر خواننده را به متن مواد قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ شمسی، ارجاع می‌دهیم.

یکی از نکاتی که در این قانون قابل تأمل است وجود استثنائاتی برای حق مؤلف در

در اینجا لازم است به ضابطهٔ تشخیص اثر از غیر آن یعنی ممیزی اثر هم اشاره‌ای داشته باشیم که امری مهم و بنیادی است.

اثر، هنگامی بوجود می‌آید که مؤلف شخصاً و یا به کمک دیگری با صرف مال خود و یا مال مشترک با دیگری به کمک نیروی ذهنی و جسمی خود (و یا در تعاون و همکاری با دیگری) اقداماتی را انجام دهد که منجر به پدید آمدن اثری شود که در غیر این صورت امکان وجود عادی و معمولی آن نمی‌رفت. بنابراین در ظرف زمانی و مکانی مشخص قوهٔ ابداع و ابتکار او باعث خلق اثری شده که مانند شیارهای انگشتان دست منحصر به اوست. پس آنچه در غیر این حالت بوجود آید اثر به معنای مورد نظر ما نخواهد بود؛ مثلاً شخصی با تقلید از سبک و روش و شکل و موادی که عیناً در ساخت شیء به کار رفته باشد دست به نمونه‌سازی بزند. بدیهی است که این‌گونه نسخه‌برداری مجاز و یا غیرمجاز فقط ممکن است منفعتی مالی را نصیب او کند نه بهره‌ای معنوی را، به نحوی که در زمرهٔ آثار هنری، ادبی یا صنعتی مورد حمایت قرار گیرد. بنابراین می‌بایست تأکید کرد که تا کاری فکری و خلاقیت‌آور صورت نگیرد اثری پدید نخواهد آمد و این یک اصل در ضابطهٔ تشخیص اثر خواهد بود.

در اینجا بد نیست مثالی فرضی بیاوریم تا موضوع روشنتر شود اگر مثلاً کبوتری یا پرنده دیگری بتواند با نوک یا چنگال‌های خود بر روی صفحه کلید کامپیوتری ضربه‌هایی وارد

نمی‌رسانند وجود داشته باشد تا از بروز مشکلات احتمالی پیشگیری نماید.

از حقوق ویراستاران، مصححان، حاشیه‌نویسان و افرادی از این قبیل نیز به صراحت یاد شود.

رفع مشکلات فقهی مجازاتهای پیش‌بینی‌شده، که این خود بحث مستقلی را در ارتباط با فتاوی‌ موجود مراجع تقلید و فقهاء

در جامعه اسلامی ما حق مؤلف دارای مفهومی کاملاً حقوقی، فقهی و اجتماعی است و بدون توجه به عناصر فوق هرگز قابل درک یا اثبات نیست.

محترم دربردارد. چرا که در مواردی دادگاههای رسیدگی به شکایت مطروحه نظرات و احکام متفاوتی ارائه داده‌اند و این ناشی از عدم تبیین جایگاه حق مؤلف در شرع و مسائل مربوط به آن است.

عدم اشاره به قراردادهای چاپ و نشر و عدم اشاره به مشکلات اعمال حقوق مشاع صاحبان اثر در هنگام بروز اختلاف بین آنان از جمله موارد دیگر است.

البته چون قصد پرداختن به جزئیات نیست از بقیه موارد اشکال صرف‌نظر شده و باز هم خواننده را به قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ ش ارجاع می‌دهیم.

همان‌گونه که در این قانون مشاهده می‌شود

بهره‌برداری‌های غیرانتفاعی است، که در مواد ۷ الی ۱۱ آن به خوبی نشان داده شده و در حقیقت مانند احکام ثانویه توانسته‌اند احکام اولیه را تحت الشعاع خود قرار دهند (این امر در قوانین دیگر کشورها هم به چشم می‌خورد) که البته باید اندکی مورد تعدیل قرار گرفته و تفسیر بهتری را به همراه داشته باشند. بدیهی است در مورد کل قانون ایراداتی وجود دارد که یکی به دلیل گذشت بیست و سه سال از عمر آن و دیگری وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تحولات ناشی از آن است. توجه به این دو عنصر مهم در بازنگری و رفع اشکالات آن بسیار مؤثر خواهد بود. در اینجا به برخی اشکالات و نارساییها اشاره می‌کنیم:

همان‌گونه که از متن قانون برمی‌آید، در ماده اول جا دارد که به ضابطه تشخیص اثر و مالیت آن اشاره شود، و در ماده دوم قبل از بیان انواع آثار به تعریف حق مؤلف و خصوصاً جنبه‌های معنوی آن بپردازد و سپس در ماده سوم به آثار شفاهی و برنامه‌ها و سایر وسائل تغذیه کامپیوتری و حتی نامه‌ها و اخبار علمی نیز اشاره گردد.

در ماده هفتم بی‌مناسبت نیست حدود متعارف با این گونه تعریف کند: به شرطی که خواننده را نسبت به اصل اثر بی‌ربطت و نیاز نسازد. ضمناً تبصره آن نیز محل تأمل است.

ماده مستقلی به آثار با نام مستعار و استثنائات قائل شدن برای آثاری که اجباراً در خارج از کشور نشر می‌شوند و نیز آثاری که به دلیل عدم آگاهی از حقوق خود، آثارشان را به ثبت

دیگر اقدام به تهیه اثری کند، و این نظارت از نوع فنی یا هنری یا هر شکل دیگر باشد، برای ناظر حقوقی را ایجاد می‌کند که باید مطابق موارد بالا به آن توجه داشت.

مثال دیگر اینکه مؤلف گاه به دلیل عدم تجربه و اطلاع از ویراستاری و نکات مهم و ضروری آن اثری را تهیه می‌کند که بدون ویرایش قابل عرضه و نشر و توزیع نیست. در اینجا معمولاً ناشر از طریق ویراستارانی که در استخدام دارد اقدام به حکم و اصلاحات لازم می‌کند و بالتبع برای خود حقوقی نسبت به اثر ایجاد می‌نماید که در حقیقت اثر مشترک مؤلف و ناشر (یا ویراستار و یا حتی طراح روی جلد یا مثلاً عکاس تصاویر و...) نامیده می‌شود.

باید به این نکته کلی اشاره داشت که بخش عمده‌ای از مشکلات مربوط به حقوق مؤلفان ناشی از آن است که مرجعی صنفی یا دولتی برای حمایت از مؤلفان وجود ندارد تا این معلمان و پیام‌آوران و رابطان فرهنگی و اطلاع‌رسانان صدیق را به سوی قراردادی عادلانه سوق داده و آنان را به ابعاد مختلف حقوقی اثر آنان، قبل و بعد از عرضه عمومی، آگاه نماید، مبادا چشم‌پسته و فقط به امید نام و نان مختصری تن به قراردادهای یکجانبه دهند که ناشری سودجو و غیر فرهنگی با حیل‌های حساب‌شده با آنان منعقد می‌کند. لازم است تشکلی صنفی از مؤلفین ایجاد شود و مانند دیگر مجامع علمی به امور مختلف مربوط به حقوق و حرمت و حمایت و تشویق و تکریم

چند ایراد قابل طرح است: یکی اینکه چرا پیگیری مراجع قضایی نسبت به جرم انجام شده در مورد تضییع حق تکثیر و تجدید چاپ و بهره‌برداری را مشروط و موقوف به درخواست شاکی نموده و چرا از نیروی انتظامی به عنوان ضابط اجرایی استفاده نمی‌کند تا به محض وقوع جرم وارد عمل شده و مرتکب خلاف را از عمل خود بازدارند. دیگر اینکه چرا حقوق مالی مترجم نسبت به اثر را که کمتر یا معادل ثلث ماترک او باشد و طی وصیت به دیگری منتقل کند مورد توجه قرار نگرفته است. در وضع فعلی حقوق مالی برای مترجم وجود ندارد، که قابل انتقال و وراثت باشد.

ضمناً همان‌گونه که قبلاً گفتیم حقوق مالی و معنوی مؤلف کاملاً با هم عجین و وابسته هستند. هرگونه لطمه به یکی به دیگری نیز وارد خواهد شد.

هرگاه مؤلفی به اتفاق مؤلفی دیگر اقدام به تهیه اثری کند به طوری که سهم هر کدام در تألیف کاملاً مشخص باشد؛ مثلاً از یک کتاب چند فصل را خود تدوین کند و بقیه فصلها را به همکاری محول نماید، یا فصلی از کتاب یا تمام آن را با همفکری و همکاری مؤلفی دیگر به صورت توأمان تألیف کند در اینجا مؤلفین بر کل اثر حق مشترک و سهم مشاع دارند، که در اعمال حقوق خود باید رضایت همدیگر را برابر قرارداد فیما بین و قوانین مربوط رعایت نمایند.

هرگاه فردی تحت نظارت فرد یا گروهی

۱۰. چرا حوزه‌های علمیه به این مسأله مهم فقهی نمی‌پردازند؟
 ۱۱. چرا کتابداران و اطلاع‌رسانان ایران از کلیات حقوق مؤلفان اطلاعی ندارند؟
 ۱۲. چرا در کتابهای چاپ ایران درج صفحه حقوق به شکل واحد اجباری نیست؟
 ۱۳. چرا آمار دقیق و کاملی از وضعیت نشر علوم و اطلاعات و اخبار تهیه نمی‌شود تا دست‌اندرکاران با وقوف کامل وارد عرصه نشر و تألیف شوند؟
 ۱۴. چرا بانک اطلاعات آثار فرهنگ و هنری تشکیل نمی‌شود تا از کارهای موازی و تکراری و سرقت‌های علمی و ادبی و هنری جلوگیری شود؟
 ۱۵. چرا پایان‌نامه‌های دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات مورد استفاده لازم قرار نمی‌گیرند؟
 ۱۶. چرا فقط کتاب سال معرفی می‌شود مگر آثار علمی و فرهنگی همه به شکل کتاب منتشر می‌شوند؟
 ۱۷. چرا به دیگر دست‌اندرکاران صنعت نشر توجه نمی‌شود؟ چرا...
- اینها سؤالاتی است که یافتن پاسخ آنها بسیاری از مشکلات را حل خواهد کرد.
-
- آدمی برخوردار از قدرت جسمی (جوارحی) و نیروی فکری (جوانحی) است. این دو نیرو به کمک یکدیگر نتایج و

- و توجیه و آموزش خالقان آثار پرداخته و به عنوان نهادی صلاحیت‌دار در مورد لزوم به حکمیت دعاوی پردازد.
- مقدمتاً طرح چند سؤال خالی از فایده به نظر نمی‌رسد:
۱. چرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و قوه قضائیه هنوز به انجام مطالعه و تحقیقی جامع راجع به حقوق مؤلفان پرداخته‌اند؟
۲. چرا دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی ذریبط دانشجویان و کارشناسان حقوقی خود را به سوی بررسی مشکلات حقوق مؤلفان راهنمایی نمی‌کنند؟
۳. چرا تاکنون هیچ دوره آموزشی برای دست‌اندرکاران حقوق مؤلفان برگزار نشده است؟
۴. چرا هیچ نماینده‌ای از ایران در اجلاس‌های مختلف سازمان جهانی مالکیت معنوی شرکت ندارد؟
۵. چرا اقدام به تدوین قانون جامع و کاملی برای حقوق مؤلفان نمی‌شود؟
۶. چرا اکثر قضات با حقوق فکری آشنا نیستند؟
۷. چرا وحدت رویه‌ای در مورد آراء مربوط به دعاوی مطروحه در دستگاه قضایی به وجود نمی‌آید؟
۸. چرا هزارچندگامی مسئله حقوق مؤلفان در برخی رسانه‌های خبری طرح شده و سپس برای مدتها مسکوت می‌ماند؟
۹. چرا مسؤولان فرهنگی کشور نسبت به این مهم توجه کافی ندارند؟

دوم پیوستند.»

در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که: «هرکس حق دارد برای منافع مادی و معنوی کلیه محصولات علمی ادبی و هنری (یعنی اموال و داراییهای فکری) خود تقاضای حمایت کند. در کشور ما، همانگونه که در بخش اول این نوشتار ملاحظه شد، تاکنون دو قانون و نیز آیین نامه اجرایی آن برای حمایت از حقوق مؤلفان و یک قانون و آیین نامه اجرایی برای حمایت از علائم و اختراعات صنعتی پدید آمد. که حاکی از رسمیت بخشیدن به حمایت از آثار فکری است.

در این خصوص دنیای امروز برخوردار از قوانین داخلی و معاهدات و مقاوله نامه های بین المللی و بین الدولی فراوانی است که سازمان جهانی مالکیت معنوی^(۱) (فکری) وابسته به سازمان ملل متحد عهده دار حفظ و حمایت و مشاوره و توسعه نفوذ این گونه حقوق در دنیاست. مقر این سازمان در شهر ژنو کشور سوئیس است.

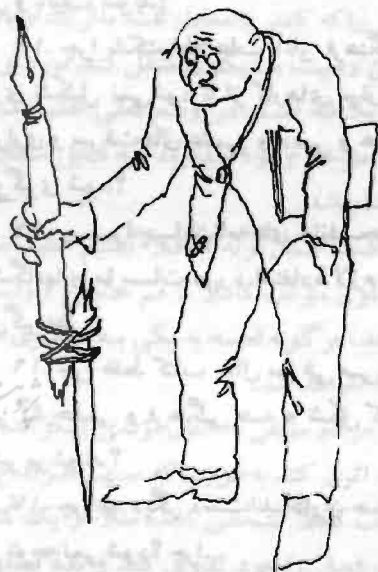
از جمله معاهدات بین المللی مربوط به حمایت از آثار فکری معاهده حمایت از مالکیت های صنعتی، تجاری و کشاورزی است که به معاهده پاریس^(۲) شهرت دارد و از زمان انعقاد (۱۸۷۳ م) مورد اصلاحاتی قرار گرفته است. کشور ما به اصلاحیه ۱۹۵۸ م آن ملحق شد. و تا ۱۹۹۱ م صد و یک عضو داشته است.

معاهده دیگر به کنوانسیون برن شهرت

محصولاتی دارند که چنانچه منشأ و مایه خیر باشد فوق العاده حائز اهمیت است. در آیین مقدس اسلام، آیات و روایات و سیره عملی فراوانی وجود دارد که از نیروی تفکر و اندیشه حمایت بیشتری کرده است؛ از آن جمله:

- «آیا دانایان با نادانان برابرند؟»

- «آثار دانشمندان بر خون شهیدان برتری



دارد.»

- «ساعتی تفکر برتر از هفتادسال عبادت

است.»

- «روزی پیامبر گرامی (ص) به مسجد وارد

شدند و مشاهده کردند که گروهی به عبادت

خداوند و گروهی به بحث و تبادل نظر علمی

عقیدتی) سرگرمند. ایشان بلافاصله به گروه

۱۹۹۱ م صدویست و پنج کشور و دول دارای نماینده به ۹ کشور رسیده‌اند. این معاهده در سال ۱۹۷۱ م آخرین تجدیدنظر را به خود دیده، ولی کشور ما هنوز به آن ملحق نشده است.

این قرارداد به حقوق همسان نیز توجه دارد ولی شرط حمایت از آثار را موکول به رعایت تشریفات درج علامت C (حرف اول اصطلاح CopyRight به معنای حق طبع یا استتساخ)^(۴) و نام پدیدآورنده و ذکر تاریخ اولین نوبت انتشار اثر به همراه قید عبارت صریح محفوظ الحقوق (مثلاً استفاده از Reserved ALL Rights یا Copy Protection) می‌داند. ولی امروزه از عبارات کامل و مفصلی استفاده می‌شود که در صفحه حقوق اکثر آثار خارجی و برخی از آثار داخلی قابل مشاهده است که نمونه‌هایی از آن در بخش اول این مقاله درج گردیده است. در این معاهده مدت حمایت از اثر را کمتر از مدت حیات پدیدآورنده و تا بیست و پنج سال بعد از فوت او مجاز نمی‌داند. توصیه می‌شود که به ترجمه فارسی این معاهده در پیوست ۳ کتاب راهنمای آماده ساختن کتاب، اثر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵) مراجعه شود.

و اما در توجه دلایل عدم پذیرش این معاهده از سوی ایران می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. صرفنظر از اینکه هم‌اکنون در عصر گسترش قواعد و قوانین بین‌المللی و فرامرزی

دارد که برای حمایت از آثار ادبی و هنری در سال ۱۸۸۶ م امضاء شد و آخرین اصلاحیه آن در سال ۱۹۷۱ م در پاریس به امضای دول متعاهد رسید. این قرارداد، پدیدآورندگان تبعه یکی از کشورهای عضو را از حقوق همسان در سایر کشورهای عضو برخوردار می‌کند؛ خواه اثر آنها منتشر شده یا نشده باشد، و خواه در قانون داخلی کشور عضو منظور شده باشد یا در آینده مدنظر قرار گیرد. این معاهده داستانهای کوتاه، اخبار و هراثرتناسب با موضوعات کنوانسیون را مورد حمایت قرار می‌دهد، ولی تکثیر مقالات مربوط به اخبار و گزارشهای جاری و موضوعات اقتصادی، سیاسی یا مذهبی را به شرط عدم منع نقل و با ذکر مأخذ مجاز می‌شمارد. ضمناً مدت حمایت از آثار را حداقل پنج‌سال بعد از انتشار یا پس از تاریخ فوت پدید آورنده دانسته ولی مدت حمایت از آثار سینمایی و عکاسی را مطابق قوانین داخلی کشورهای عضو می‌داند. کشور ما عضو این معاهده نیست ولی تا سال ۱۹۹۱ م هشتاد و چهار کشور جهان به آن ملحق شده‌اند. معاهده بعدی که واجد اهمیت خاصی است به قرارداد جهانی حق طبع^(۳) (تقلید) یا کنوانسیون ژنو شهرت دارد که ابتدا در سال ۱۹۵۲ م و تحت تأثیر معاهده برن منعقد و مفاد آن به گونه‌ای تنظیم شد تا موجب جلب نظر کشورهای بیشتری شود. در این رابطه سازمان یونسکو به عنوان ناظر بر آن فعالیت زیادی را برعهده گرفت. دول متعاهد تا سال

به سرمایه‌بریم، این قرارداد و اکثر موارد مشابه آن ابتدائاً از سوی کشوری سلطه‌جو و غربی تهیه و تنظیم می‌شود که طبیعتاً متضمن منافع خاص و عام آنها بوده و در عین حال ممکن است برای کشورهای در حال توسعه و یا عقب‌نگهداشته‌شده هم مزایایی داشته باشد، ولی این نقطه نظر نمی‌تواند موجب قبول تمامی مفاد و شرایط آن گردد. البته، در همین راستا و بر اثر فشار کشورهای جهان سوم بوده که این معاهده اصلاحاتی نیز یافته است و حتی طرح و نمونه قانون حق مؤلف برای استفاده در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۴ م با نظر کارشناسان کشورهای عضو با مشارکت سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو تهیه و تنظیم شده است.

۲. کشورهای غربی مورد بحث سالها بدون رعایت حقوق آثار ما از آنها اقتباس و ترجمه و بهره‌برداری نموده‌اند تا حدی که پایه و بنیان انسانی علمی آنها از ماست. ولی اکنون به کمک تکنولوژی و صنایع پیشرفته‌ای که دانش فنی آن را و امدار ما و دیگر کشورهای شرقی هستند به نحو کاملاً آگاهانه‌ای ما را تحت فشار عدم رعایت حقوق اتباع خود قرار می‌دهند، که بهتر است تا برقراری موازنه بین مصرف‌کننده دیروز و امروز سیاست صبر را پیشه خود سازند!

۳. قبل از بحث الحاق، می‌باید قوانین داخلی خود را مورد اصلاحات لازم قرار دهیم خصوصاً این‌که سرقت‌های نرم‌افزاری و ماهواره‌ای هم به جمع سایر تجاوزات پیوسته

است.

۴. صنعت نشر و اطلاع‌رسانی در کشور ما هنوز از قوام و انسجام لازم و سیاست‌گذاری مشخص برخوردار نیست و تا بدین منوال باشد راه‌های تجاوز و تعدی باز خواهد بود و این از جمله دیگر موانع است.

۵. پذیرش الحاق به معنای تأدیبه کامل حقوق صاحبان آثار خارجی است که این در حالت فعلی کاملاً یکطرفه خواهد ماند. چون حجم آثار مورد نیاز ما با آنچه دیگران از ما خواهند خواست تناسب ندارد و مسلماً از عهده پرداخت این تفاوت برنخواهیم آمد. تصور کنید صدا و سیما و رسانه‌های خبری و مطبوعات ما بخواهند در مقابل استفاده از منابع و فرستنده‌های آنان حق بهره‌برداری بردارند. این خود بالغ بر میلیونها دلار در سال خواهد بود. حال صنعت نشر و تألیف و ترجمه را هم بدان بیفزایید! با توجه به مشکلات ارزی موجود هرگز قادر به تأدیبه نخواهیم بود. ضمن اینکه رفع این مشکل خود مشکلات دیگری را به همراه خواهد داشت و آن گرانی بیش از پیش آثار تولیدشده در ایران و در نتیجه فشار مستقیم بر استفاده‌کنندگانی است که خود باید تولیدکننده هم باشند. بنابراین، عملاً آمادگی پذیرش آن را نداریم.

البته ذکر دلایل فوق به معنای بی‌توجهی به حقوق اتباع بیگانه نیست، بلکه باید مشکلات اجرایی را نیز مدنظر قرار داد. به این نکته نیز باید اذعان داشت که پیوستن به معاهده مورد بحث سبب ایجاد رغبت در اتباع خارجی

عمومی و معرفی شایسته صاحبان آن.

۷. تقویت صنعت نشر و اطلاع رسانی کشور.

۸. تهیه نظام اطلاع رسانی کشور.

۹. اصلاح و مناسب سازی قوانین مربوط به

حمایت از آفرینشهای فکری و آئین نامه

اجرائی آن.

۱۰. شناسایی و رفع عوامل مزاحم اداری و

اجرائی آفرینشهای فکری.

۱۱. آموزش بهره گیری از تکنولوژی جدید

و روزآمد در تهیه، تولید و عرضه آثار فکری.

۱۲. ورود امکانات تکنولوژیکی جدید و

فراهم ساختن راههای بکارگیری عمومی آنها

در جامعه در رابطه بابتند فوق.

۱۳. پرداخت کمکهای بلاعوض و وام بدون

کارمزد و طولی المدت از سوی دولت و

مشارکت در سرمایه گذاریهای کلان مربوط به

آفرینشهای فکری.

۱۴. انجام حمایت های لازم و به کارگیری

نیروهای خلاق و آفرینشگر در بخش های

دولتی مورد علاقه و مناسب.

۱۵. انتشار خبرنامه، ماهنامه علمی، فصلنامه

تحقیقاتی از سوی دولت برای حقوق

آفرینشهای فکری و تولیدات آن به زبان

فارسی و دیگر زبانهای رایج.

۱۶. آموزش عمومی به جامعه تولید کننده و

مصرف کننده فرآورده های فکری برای رعایت

حقوق مربوطه.

۱۷. کمک به نشر و تکثیر آثار ناب فکری که

کمیاب و یا نایاب شده باشند.

۱۸. پرداخت سوبسید و بیمه نمودن

برای سرمایه گذاریهای انتشاراتی در داخل

کشور خواهد شد و توسعه و تکمیل صنعت

نشر را به دنبال خواهد داشت و باعث احقاق

حقوق متقابل کشورمان و سایر دول متعاهد

خواهد گردید.

در پایان به دلیل اهمیت خاص بهبود

وضعیت و جایگاه حقوقی، تجاری و فرهنگی

محصولات و فرآورده های آفرینش فکری که

در مقولات گوناگون ادبی - هنری و صنعتی -

تجاری کشورمان بروز و ظهور می کند، اینک

به عنوان پژوهشگری علاقمند پیشنهادات ذیل

را جهت اجرا به مسئولان ذیربط تقدیم

می دارم بدان امید که با به کارگیری آنها شاهد

رشد و شکوفایی هرچه بیشتر آثار فکری و

صاحبان آن در کشور عزیزمان که نامش با

سابقه درخشش هویت فرهنگی و اسلامی

آمیخته بوده و خواهد بود، باشیم.



۱. شناسایی و تقویت افراد اندیشمند، مبتکر،

خلاق، نوآور و آفرینشگر.

۲. ایجاد نظام آموزشی و ارزشیابی براساس

آفرینشگری و خلاقیت.

۳. تقویت بنیاد و نظام پژوهشهای علمی،

فرهنگی، هنری، فنی، صنعتی، تجاری و

آموزشی کشور.

۴. تقویت روحیه مطالعه و کسب آگاهی در

عموم مردم.

۵. رفع تمامی مظاهر بیسوادی.

۶. تبلیغ مجانی آثار زبده فکری در رسانه های

۳۱. اصلاح و تقویت نظام ثبت آثار فکری.
۳۲. شناسایی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها مرجع ثبت میراث مکتوب کشور.
۳۳. ایجاد گردهمایی در بین مسئولان فرهنگی سراسر کشور به منظور تبیین حقوق آفرینشهای فکری.
۳۴. ایجاد هفته‌ای به نام «هفته آفرینشهای فکری» برای تجلیل از صاحبان آثار فکری.
۳۵. نامگذاری مکانهای فرهنگی به صاحب‌نامان آفرینشهای فکری.
۳۶. تعیین حق‌الزحمه عادلانه تولید آثار فکری.
۳۷. تبیین فتاوی‌ای امام خمینی (ره) و سایر مراجع عظام و فقهاء محترم برای رفع سوءتفاهم از حقوق آفرینشهای فکری.
۳۸. سوق دادن دانشکده‌های حقوق و مؤسسات مطالعات حقوقی در تبیین موضوع و مصادیق حقوق آفرینشهای فکری.
۳۹. انجام مطالعات تطبیقی بین حقوق ایران و سایر کشورها در رابطه با آفرینشهای فکری.
۴۰. شناسایی و تکریم کارشناسان و حقوقدانان متخصص در آفرینشهای فکری.
۴۱. بررسی و مطالعه امکان الحاق جمهوری اسلامی ایران به یکی از معاهدات بین‌المللی حق طبع.
۴۲. مشارکت فعال در صحنه‌های بین‌المللی معرفی و حمایت از آثار فکری.
۴۳. با توجه به عدم الحاق کشور به هیچ یک از معاهدات بین‌المللی حق طبع، سیاستی اتخاذ
- محصولات فکری و صاحبان آن.
۱۹. ایجاد صندوق حمایت از آثار فکری در زمینه‌های مختلف.
۲۰. تهیه و انتشار کتاب‌شناسی‌های موضوعی در معرفی آثار فکری.
۲۱. برگردان و ذخیره‌سازی کامپیوتری محتویات آثار فکری و نشانه‌شناسی آنها.
۲۲. تشکیل انجمن‌های صنفی و کانون‌های فکری برای هر گروه از دست‌اندرکاران آفرینشهای فکری.
۲۳. تقویت بازار خرید و فروش و مبادله آثار فکری در داخل و خارج.
۲۴. رفع چندگانگی موجود در مسئولیت و حمایت از آفرینشهای فکری.
۲۵. ایجاد دفاتر و نهادهای مشاوره فکری و حقوقی برای راهنمایی و مساعدت به تولیدکنندگان آثار فکری.
۲۶. شناسایی، گردآوری و تدوین موضوعی آیات، روایات، احادیث و اخبار اسلامی در خصوص حقوق آفرینشهای فکری.
۲۷. تربیت کارشناسان حقوقدان و قضات مجرب در حمایت از آفرینشهای فکری.
۲۸. تعیین ضابطین اجرایی برای رسیدگی فوری به شکایات مربوط به حقوق آفرینشهای فکری در نیروی انتظامی.
۲۹. دفع ناشران سودجو و مضر و تقویت ناشران فرهنگی.
۳۰. تهیه و ارائه قراردادهای عادلانه مربوط به نقل و انتقالات آثار فکری برای جلوگیری از تضییع حقوق صاحبان آنها.

۵۴. ایجاد نمایشگاههای دائمی از اصل، نمونه و یا تصاویر آثار فکری به منظور اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به جامعه.
۵۵. حذف و ادغام سازمانهای موازی دست‌اندرکار آفرینشهای فکری و حقوق آنها.
۵۶. تعیین مرجع کارشناسی برای تشخیص آثار اصلی از بدلی و تقلبی.
۵۷. تعیین مرجع رایگان مشاوره فکری و حقوقی در رابطه با تولید آثار و حفاظت از حقوق صاحبان آن.
۵۸. پیش‌بینی مجازات‌های سنگین مالی و جزائی برای متجاوزین به حقوق آثار فکری.
۵۹. اجباری نمودن درج شناسنامه و مشخصات (صفحه حقوق) در آثار فکری.
۶۰. تقویت کتابخانه‌های عمومی و تخصصی موجود و روزآمد نمودن و افزایش خدمات و مواد آنها.
۶۱. انجام آموزشهای لازم و ایجاد تخصص در کارکنان مراکز کتابداری و اطلاع‌رسانی و ایجاد حس نوعدوستی و خیرخواهی در آنان.
۶۲. تقویت جامعه انفورماتیکی کشور و رواج سیستم‌های اتوماسیون در اطلاع‌رسانی.
۶۳. پیش‌بینی پرداخت حق امانت‌دهی عمومی از سوی مراکز کتابداری و اطلاع‌رسانی غیرانتفاعی به صاحبان آثار فکری مورد استفاده.
۶۴. تکیه بر عنصر ارزشمندی و فایده و نوآوری و ابداع در هنگام ثبت و حمایت از آثار فکری.
۶۵. تشویق افراد خیر به ایجاد موقوفات مالی

- شود تا حداقل تجاوز به آثار بیگانه صورت گیرد.
۴۴. تقویت دفتر «یونسکو» در تهران و مرکز اطلاعات سازمان ملل و رایزنی‌های فرهنگی خارجی و نیز رایزنی‌های فرهنگی ایران در خارج.
۴۵. در نظر گرفتن تسهیلات ارزی و ریالی برای تهیه آثار فکری مفید از خارج کشور.
۴۶. انجام سعی و تلاش برای شناسایی اصل آثار فکری غارت شده و یا منتقل شده از کشور و بازگرداندن آنها.
۴۷. جدی تلقی شدن شکایات مربوط به آثار فکری در محاکم و رسیدگی کامل آنها.
۴۸. اصلاح قوانین صنعتی، گمرکی و تجاری و مناسب‌سازی آنها در رابطه با تجارت اموال فکری.
۴۹. شناسایی اموال فکری بلاوارث و بلاصاحب و حفاظت از آنها.
۵۰. انتشار آثاری که به خلاقیت، نوآوری، اکتشاف و آفرینش فکری کمک می‌کنند.
۵۱. تقویت حس نوعدوستی و خیرخواهی در جامعه تولیدکنندگان آثار فکری برای کاهش توقعات مادی آنان.
۵۲. ایجاد بانک اطلاعاتی جداگانه برای هر قسم از آثار فکری منتشره در حال انتشار و یا در حال آفرینش به منظور جلوگیری از کارهای تکراری و موازی.
۵۳. انجام تمهیدات لازم، تا خرید کتاب و سایر مواد اطلاعاتی جزء جدائی‌ناپذیر «سبد خانوار» تلقی گردد.

- فکری.
۷۸. ترجمه مجموعه معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق آفرینشهای فکری.
۷۹. در قانون مدنی کشورمان به گونه‌ای اموال را تعریف کنیم که شامل اموال فکری نیز باشد.
۸۰. تدوین کتاب راهنمای شناخت انواع آفرینشهای فکری در جهان.
۸۱. تدوین کتاب راهنمای شناخت انواع حقوق آفرینشهای فکری در جهان.
۸۲. ترویج معنای بلند حدیث شریف «زکوة العلم نشره» برای رفع بخل و حسد اخلاقی در ارائه علم و دانش به هم‌نوع.
۸۳. ترویج معنای بلند حدیث شریف «تفکر ساعة افضل من عبادة سبعین سنة» برای تشویق ما به تفکر و خلاقیت.
۸۴. ترویج معنای بلند حدیث شریف «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» در فضیلت اندیشمندان بر شهداء.
۸۵. همکاری مؤثر با «سازمان جهانی اموال فکری» (WIPO) برای تبادل نظر و کسب مشورت در خصوص جنبه‌های اجرایی حقوق آفرینشهای فکری.
۸۶. اقدام به گردآوری و ذخیره‌سازی اطلاعات مربوط به پروانه ثبت اختراع در یک نظام هم‌آیند برای فروش و مبادله.
۸۷. اقدام به گردآوری و ذخیره‌سازی متون نسخ خطی و نفیس برای فروش و مبادله.
۸۸. ایجاد شهرک مطالعاتی و پژوهشی و آفرینشی با تسهیلات لازم برای خلاقان و نوآوران فکری.
- برای ترویج آثار فکری.
۶۶. پیش‌بینی حق رجوع و عدول در قانون‌های مربوط به آثار فکری.
۶۷. ایجاد بانک اطلاعاتی تخصصی در موضوع حقوق آفرینشهای فکری.
۶۸. ممنوع نمودن عدم ذکر نام پدیدآورندگان آثار در نزد اشخاص و مؤسسات حقوقی به هنگام نشر آثار.
۶۹. اجباری نمودن ذکر مأخذ در هنگام عرضه و اشاعه آثار فکری.
۷۰. تعیین حد و مرز در استثنائات قانونی مربوط به بهره‌برداری رایگان از آثار فکری.
۷۱. اجباری نمودن کسب مجوز از پدیدآورندگان اصلی از سوی پدیدآورندگان ثانوی.
۷۲. جلوگیری قاطعانه از انتشار آثار فکری مضر به عقاید عمومی و اخلاق حسنه و نظم اجتماعی.
۷۳. علاوه بر معرفی کتاب سال، اختراع سال، عکس سال، نقاشی سال، موسیقی سال، نمایش سال و ... نیز معرفی شود.
۷۴. جلوگیری از هرگونه اختفا، احتکار، قاچاق و گرانفروشی آثار فکری.
۷۵. تدوین «مجموعه قوانین و آئین‌نامه‌ها و معاهدات و مقاله‌نامه‌ها و مصوبات» مربوط به حقوق آفرینشهای فکری.
۷۶. تدوین اصطلاح‌نامه حقوق آفرینشهای فکری.
۷۷. ترجمه قوانین و مقررات مفید دیگر کشورها در خصوص حقوق آفرینشهای

- مورد آثار و اشخاص مذهبی و عقیدتی مجاز باشد.
۱۰۰. در شناخت و تشخیص جرائم مربوط به حقوق آفرینش‌های فکری عناصر سوء قصد و سوء سابقه دخالت کامل داشته باشند.
۱۰۱. در حمایت از آثار فکری حتی الامکان وجود شاکی خصوصی و یا مدعی الزامی نباشد.
۱۰۲. حاکمیت روش استعلامی (پیش‌آزمایی) به هنگام ثبت آثار فکری به جای روش اعلامی (بدون پیش‌آزمایی).
۱۰۳. برای دستگاه‌های دولتی و مسئولین اداری که ناقض حقوق آفرینش‌های فکری باشند مجازات بیشتری در نظر گرفته شود.
۱۰۴. برای کسانی که به آثار فکری دولتی که واجد حقوق لازم هستند تجاوز نمایند به عنوان متجاوز به بیت‌المال مجازات بیشتری در نظر گرفته شود.
۱۰۵. برای جبران خسارت صاحب حق اثر فکری که بدون وجود سوء نیت از دیگران متحمل خسارت شود از صندوق حمایت از آفرینش‌های فکری مبلغی به عنوان جبران خسارت غیر عمدی پرداخت شود.
۱۰۶. برای امور ویراستاری، نقد، تقریظ، حاشیه‌نویسی و کارهایی از این قبیل ضوابطی تعیین شود تا هیچ لطمه‌ای به محتوای اثر فکری و یا حقوق مالی آن وارد نشود.
۱۰۷. به هنگام انقضای مدت بهره‌برداری مالی پیش‌بینی شده در قانون، دولت پاداشی برای مخترع به خاطر عمومی شدن استفاده از
۸۹. جلوگیری قاطعانه از هرگونه رقابت مکارانه در بازار اموال فکری.
۹۰. تدوین و انتشار مجموعه آراء قضائی محاکم داخلی در خصوص حلّ و فصل دعاوی حقوقی آفرینش‌های فکری.
۹۱. گسترده‌آوری و انتشار مجموعه نظرات دانشمندان و صاحب‌نظران حقوق آفرینش‌های فکری.
۹۲. اعطاء فرصتهای مطالعاتی و تحصیلاتی رایگان در داخل و خارج کشور به منظور تقدیر و تشویق آفرینندگان آثار فکری.
۹۳. انتقاد از آثار فکری با منطق صحیح همراه باشد. به گونه‌ای که هیچ لطمه‌ای به حقوق اثر وارد نیابد.
۹۴. نقل از آثار فکری به گونه‌ای باشد که به ارزش محتوای کلی آن هیچ لطمه‌ای وارد نیاید.
۹۵. از صاحبان آثار فکری و مذهبی و تبلیغی که صرفاً برای رضای خداوند و تقرب به او تهیه می‌شوند مورد تکریم و تشویق خاص دولت قرار گیرند.
۹۶. در قانون حمایت از اصل اثر (اصطلاحاً نسخه دست‌نویس) نیز به صراحت یاد شود.
۹۷. تحقیق گسترده و کاربردی در تعیین علل ضعف جنبه‌های اجرایی قوانین حمایت از آفرینش‌های فکری انجام پذیرد.
۹۸. تحقیقی گسترده و تاریخی پیرامون علل تأخیر در قانون‌مندی حقوق آفرینش‌های فکری در ایران صورت پذیرد.
۹۹. تقلیدهای تمثیلی و طنزآمیز به جز در

اثر در نظر گیرد.

Organization.

2. Paris Convention for the Protection of Industrial Property.

3. Universal Copyright Convention.

۴. البته اصطلاح حق طبع با توجه به توسعه روشهای تکثیر و انتشار کاملاً رسا نیست.

پی نوشتها:

1. WIPO = World Intellectual Property

